

لزوم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

قبل از ورود در بحث لزوم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد باید دانست که اصل و بنیاد این سازمان بین‌المللی از چه منابعی بوده که امروزه باینصورت در آمده است سپس به بحث نواقص آن پرداخته شود .

۱ - منابع بنیاد سازمان ملل متحد

منشور ملل متحد که در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در کنفرانس بین‌المللی منعقد در سانفرانسیسکو باضام رسیده است لزوم یک سازمان بین‌المللی را که بنام سازمان ملل متحد است شناخته اصل و منشاء آن بشرح زیر میباشد :

- الف - منشور آتلانتیک
- ب - اعلامیه ملل متحد
- ج - اعلامیه چهار دولت
- د - اعلامیه تهران
- ه - طرح دامبارتن اوکس
- و - اعلامیه پالنا
- ز - کنفرانس سانفرانسیسکو

الف - منشور آتلانتیک

در جنگ دوم بین‌المللی و بنسبتون چرچیل رئیس دولت بریتانیای کبیر و مرحوم فرانکلن روزولت رئیس جمهور آمریکا در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلامیه‌ای در اقیانوس اطلس تحت عنوان منشور آتلانتیک امضاء نمودند که بموجب آن اساس سازمان جدید بین‌المللی را بی‌ریزی نمایند که قائم‌مقام جامعه ملل گردد تا پس از جنگ صلحی برقرار نمایند که هدف آن این باشد :

اولا - هرملتی بتواند در داخل مرزهای خود در کمال امنیت و آسایش زیست نموده و برای هر فردی حیاتی تأمین شود که عاری از فقر و ترس بوده باشد .

ثانیاً - بوسیله خلع سلاح استیثی را بوجود آورند که از استعمال هرگونه نیروئی خودداری گردد .

ثالثاً - با این منشور آتلانتیک که ملل دیگر هم بان پیوست خواهند شد اساس سازمان ملل متحدرا فراهم سازند .

ثروم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

ب - اعلامیه ملل متحد

دراول ژانویه ۱۹۴۲ نمایندگان ۲۶ دولت اعلامیه ملل متحد را امضاء نموده و هدف و اصول منشور آتلانتیک را که به منظور استقرار صلح جهت دفاع آزادی و استقلال و حفظ حقوق بشر و عدالت تنظیم شده بود تأیید نمودند .

ج - اعلامیه چهار دولت

سال بعد یعنی اول نوامبر ۱۹۴۳ اعلامیه ای در مسکو منتشر گردیده و چهار دولت یعنی اتحاد جماهیر شوروی - امریکا - بریتانیای کبیر و ایرلاند شمالی و جمهوری چین آنرا امضاء کرده و لزوم تأسیس سازمان بین المللی را برای تأمین و حفظ صلح بین المللی و امنیت مفید دانسته و سیستم امنیت عمومی را با مشورت نمایندگان این چهار دولت و سایر اعضاء سازمان اتخاذ نمودند .

د - اعلامیه تهران

یکماه بعد فرانکلن روزولت رئیس جمهور فقید امریکا - وینستون چرچیل رئیس دولت بریتانیای کبیر و ژوزف استالین رئیس فقید اتحاد جماهیر شوروی به تهران پایتخت ایران کشور عزیز ما آمده و از ۲۶ نوامبر تا ۲ دسامبر ۱۹۴۳ در سفارت شوروی جلساتی تشکیل دادند و همکاری و شرکت دول را اعم از کوچک و بزرگ در این سازمان بین المللی ضروری دانسته که بتواند صلح آینده را با شرکت اکثریت ملل عالم تأمین نموده تا نسلهای زیادی مواجه با خطرات جنگ نبوده و از مزایای صلح بهره مند گردند .

ه - طرح دامبارتون اوکس

سال بعد یعنی از ۲۱ اوت تا ۷ اکتبر ۱۹۴۶ نمایندگان امریکا - انگلیس - اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری چین در دامبارتون اوکس ممالک متحده امریکا مجتمع گردیده و طرحی را که از طرف سه دولت برای حفظ صلح و امنیت تهیه شده بود مطالعه نموده و طرحی را که دارای فصول دوازده گانه زیرین بود تنظیم نمودند .

فصل اول - هدف سازمان

فصل دوم - اصول

فصل سوم - تشکیل سازمان

فصل چهارم - اعضاء اصلی

فصل پنجم - مجمع عمومی

فصل ششم - شورای امنیت

فصل هفتم - دیوان عدالت

فصل هشتم - دعای از نظر صلح و امنیت بین المللی و اقدامات تهاجمی

فصل نهم - همکاری اجتماعی و اقتصادی بین المللی

لزوم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

فصل دهم - دبیرخانه

فصل یازدهم - اصلاحات

فصل دوازدهم - مقررات موقت

در آغاز این طرح قید گردیده که یک سازمان بین المللی باید تحت عنوان سازمان ملل متحد تأسیس گردد و در منشور این ارگان جدید مقرراتی جهت نگاهداری صلح و امنیت بین المللی و عملی ساختن همکاری بین المللی از طریق حل مسائل اقتصادی و اجتماعی و انسان دوستی پیش بینی شود .

و - اعلامیه یالتا

در فوریه ۱۹۴۵ کنفرانسی در کریمه تشکیل گردید و چرچیل و روزولت و استالین در آن حضور داشتند و نظریات خود را در باب لزوم تأسیس سازمان بین المللی جهت حفظ صلح و امنیت تأیید و موافقت نمودند تا منشور سازمان را بر طبق طرح دامبارتن اوکس تهیه نمایند و دریالتا طرح دامبارتن اوکس نسبت به رأی شورای امنیت و لزوم اتفاق آراء برای اعضاء دائمی شورا جهت کلیه تصمیمات (به استثناء طرز رسیدگی که با هفت نفر عضو باید انجام گردد) تکمیل و مصمم به اجرای آن گردیدند .

ز - کنفرانس سانفرانسیسکو

کنفرانس سانفرانسیسکو در آوریل ۱۹۴۵ آغاز گردید و در ۲۴ ژوئن ۱۹۴۵ خاتمه پذیرفت منشور ملل متحد که مورد موافقت ۵۱ کشور قرار گرفته بود در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ با شرکت ۲۹ عضو تصویب گردید و بر طبق فقره سوم از ماده ۱۱۰ مقرر گردید که این منشور پس از آنکه دولت جمهوری چین و فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی و دولت بریتانیای کبیر و ایرلاند شمالی و کشورهای متحده امریکا و همچنین اکثریت سایر دولتهای امضاءکننده اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند لازم الاجراء خواهد بود و کشورهای متحده امریکا از تسلیم اسناد تصویب صورت مجلس تهیه و رونوشت آنرا به تمام دولتهای امضاءکننده منشور ابلاغ خواهد نمود .

متن این منشور اختلاف زیادی با طرح دامبارتن اوکس ندارد فقط سه موضوع بان اضافه گردیده است و آن عبارت است از قراردادهای ناحیه که در فصل هشتم و اعلامیه راجع به سرزمین هائی که خود مختاری ندارند و اسلوب بین المللی قیومت و شورای قیومت در فصل ۱۱-۱۲ و ۱۳ و تصویب و امضاء در فصل ۹ قید گردیده است میباشد .

این منشور دارای یک مقدمه و نوزده فصل و ۱۱۱ ماده میباشد .

در مقدمه و فصل اول هدف و اصول سازمان ذکر گردیده که اجرای این دو قسمت برای نیل به مطلوب و مقاصد سازمان خواهد بود .

بعضی از اصول کلی در چند فصل مخصوصاً در فصل هشتم و شانزدهم ذکر گردیده است .

لروم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

فصل اول منشور ملل متحد متضمن مقاصد و اصول زیر میباشد :

۱ - نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی و برای این منظور اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر برای جلوگیری از تهدیدات بر علیه صلح و برکنار کردن آنها و از بین بردن هر اقدام تهاجمی یا هر اختلال صلح بنحو دیگر و عملی کردن تنظیم و تصفیه مسالمت آمیز اختلافات و یا وضعیتهائی که جنبه بین‌المللی دارند و ممکن است صلح را برهم زنند برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی.

۲ - توسعه روابط دوستانه در میان ملل که بر احترام اصل تساوی حقوق ملتها و حق آنان در تعیین آزادانه سرنوشت خود مبتنی بوده و بعمل آوردن هر اقدام دیگری که برای تحکیم صلح جهان مناسب باشد.

۳ - عملی ساختن همکاری بین‌المللی با حل مسائل بین‌المللی که جنبه اقتصادی یا اجتماعی یا فرهنگی و یا انسان دوستی دارند و یا توسعه و تشویق احترام حقوق انسانی و آزادیهائی که برای عموم اساسی میباشند بدون تمایز بین نژاد و جنس و زبان یا مذهب.

۴ - بودن یک مرکز که در آنجا مجاهدتهای ملل برای این منظور های مشترک یکنواخت گردد.

این است مقاصد سازمان ملل ولی اصول آن که در ماده ۲ از فصل اول پیش‌بینی شده بشرح زیر میباشد.

۱ - سازمان بر روی اصل تساوی حق حاکمیت تمام اعضای خود مبتنی میباشد.

۲ - اعضای سازمان برای اینکه استفاده از حقوق و مزایای ناشی از سمت عضویت نسبت به همه آنها تضمین گردد باید تعهداتی را که بموجب این منشور بعهد گرفته‌اند از روی حسن نیت انجام دهند.

۳ - اعضاء سازمان اختلافات بین‌المللی خود را بوسائل مسالمت آمیز تصفیه مینمایند بنحویکه صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین عدالت به مخاطره نیافتد.

۴ - اعضاء سازمان در روابط بین‌المللی خود از توسل بتهدید و یا استعمال قوه خواه برضد تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر مملکت و خواه بهر نحو دیگری که با برامهای ملل متحد متباین باشد خودداری مینمایند.

۵ - اعضاء سازمان در هر اقدامیکه سازمان برطبق مقررات این منشور بعمل میآورد بسازمان مساعدت تام خواهند نمود و از معاضدت بهر کشوری که سازمان بر علیه آن یک اقدام احتیاطی و یا قهری مینماید خودداری خواهند کرد.

۶ - سازمان طوری اقدام خواهد کرد که کشورهای غیر عضو ملل متحد عملیات خود را در حدودی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازمست با این اصول منطبق نمایند.

۷ - هیچیک از مقررات این منشور ملل متحد را مجاز نمیدارد در کارهائی که اساساً

فرهیم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

مربوط بصلاحت ملی یک مملکت است مداخله کند و اعضاء سازمانها هم مجبور نمینماید که کارهای از این قبیل را طبق طریقه‌ای که در این منشور مقرر است تصفیه کند معذک این اصل باجرای اقدامات قهری که در فصل هفتم پیش‌بینی شده است لطمه وارد نخواهد آورد.

۴ - صورت و مندرجات منشور سازمان ملل متحد

اگر منشور سازمان ملل متحد را بکمرته برائت نمائیم و یا یک نظر سطحی و اجمالی بآن بیفکنیم معلوم خواهد شد که این منشور نه فقط از حیث صورت بلکه از نظر مفاد و مندرجات سئدکاملی نبوده و دارای جملات و عبارات زیاد و پراکنده و ناموزونی بوده و عاری از حسن تألیف میباشد و از هر حیث و از هر جهت ناقص است.

در متن آن مکررات و تضادها و موضوعات پراکنده و غیر حقیقی وجود دارد و چون عاری از صراحت و روشنی است و حالت انعطافی نیز دارد میتوان آنرا طوری تفسیر و تعبیر نمود که باسئاف گوناگون تطبیق نماید.

ولی آنچه علی‌الاصول بعنوان عیب و نقص تلقی میشود روش و طرز است که در اداره امور و عملیات کنفرانس بکار برده شده و مذاکرات و مباحثات آن بنحو غیر مطلوبی اداره گردیده که نتایج مفید و سودمندی از آن عاید نگردیده است و هیچکدام از این متن و عبارات منشور با هم هم آهنگی ندارند. زیرا دول بزرگ و مؤسین و گردانندگان کنفرانس بدفاع طرح مزبور اشتغال داشته و مهمانان آنان هم تحت اصول و قواعد مشترکی اداره نمیشدند و تجانس و پیوستگی فکری بین آنان وجود نداشته و هر هیئت نمایندگی افکار خود را پیروی کرده و در تصویب پیشنهادات خود سعی و کوشا بودند بدون اینکه در نظر بگیرند که بچه نحوی مواد مخصوص را در این طرح کلی بگنجانند و وضعیتهای هر یک از این هیئتهای سیاسی از نظر عقاید با یکدیگر متفاوت و غیر ممکن التحویل بوده بسمی که نمیتوانستند آنها را تحویل بواحد نمایند.

دول بزرگ میخواستند طرح داسبارتن اوکس را با مقاصد اساسی که درباره شورای امنیت در داخل سازمان و نسبت به اعضاء دائمی در داخل شورا داشتند تصویب برسانند و نیز کوشش میکردند که وحدتی نسبت بموضوعات اساسی بدست آورده که تغییراتی در جهات و نکات مهمه آن داده نشود.

فقط آنچه در درجه دوم اهمیت قرار داشت از مهمانان خود پذیرفته تا در خارج نگویند که این منشور به آنان تلقین شده بلکه بر عکس بصورت کار مشترکی در خارج جلوه گر شود.

بعلاوه در مسائل چنانکه باید و شاید بررسی نگردیده و کنفرانس فقط برای تصویب اصول کلی سازمان بین‌المللی محدود شده بود بدون اینکه مقررات صریحی برای آن ذکر نمایند. این سبک و طریقه که ذکر اصول کلی بدون در نظر گرفتن طرق عمل جزئیات باشد فقط بمنظور تأخیر انداختن تصمیمات و عدم موافقت آن بوده تا مسائل حل نشده بار دیگر جهت اخذ تصمیم طرح گردد.

لرؤم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

علت عدم تنظیم این منشور برطبق اصول فنی برای این است که این کنفرانس از نظر عدم توازن کلمات و مفاهیم بتنهائی صورت نگرفته بلکه کار کمیسیون تنظیم منشور فقط این بوده است که نظریات و مصوبات کلیه کمیسیون ها را در طرح مزبور وارد نموده بدون اینکه مفهوماً و منطوقاً باهم موزون و هم آهنگی داشته باشد و نیز پس از تنظیم از نظر اصلاح و جرح و تعدیل مروری در آن نشده و این اعمال هم با کمک حقوقدانان ممالک صورت نگرفته است و موازنه و ارتباط مواد و موضوعات منشور مستحیل در اغراض و فواید علل و موجبات سیاسی آن شده است .

۳ - تجدید نظر

منشور ملل متحد در ماده ۱۰۸ و ۱۰۹ مقرر میدارد .
که اصلاحات در این منشور هنگامی برای تمام اعضاء ملل متحد لازم الاجرا خواهد بود که به اکثریت دو ثلث اعضاء مجمع عمومی قبول شده و از طرف دو ثلث اعضاء سازمان برطبق مقررات قوانین اساسی هر کدام از آنها بتصویب برسد دو ثلث اخیر باید شامل اعضاء دائم شورای امنیت نیز باشد .
قره یک ماده ۱۰۹ نیز میگوید .

برای تجدید نظر در این منشور ممکن است در محل و در تاریخی که مجمع عمومی با اکثریت دو ثلث و شورای امنیت با اکثریت هفت رأی عادی معین مینماید کنفرانسی تشکیل گردد در این کنفرانس هر عضو سازمان دارای یک رأی خواهد بود .

در قره ۳ همین ماده چنین در نظر گرفته شده است :
که هر گاه این کنفرانس قبل از دهمین دوره اجلاس سالانه مجمع عمومی منعقد نشود طرحی راجع بتشکیل آن در دستور دهمین دوره اجلاس گذاشته خواهد شد و اگر طرح مزبور در مجمع عمومی با اکثریت آراء و در شورای امنیت به اکثریت هفت رأی عادی تصویب گردید کنفرانس مزبور منعقد خواهد شد .

از وضعیت دولتهای مختلف در موضوع تجدید نظر چنین بنظر خواهد آمد که اعضاء مجمع عمومی برای تجدید نظر رأی داده و محتمل است که در ۱۹۵۵ مجمع عمومی منعقد گردد و دوره اجلاس سال دهم مجمع عمومی را تعقیب و پیروی نماید .

گرچه برطبق شرایط قره ۲ ماده ۱۰۹ هر تغییری در این منشور که کنفرانس آنرا با اکثریت دو ثلث آراء توصیه نماید وقتی لازم الاجرا خواهد شد که دو ثلث از اعضاء ملل متحد که شامل تمام اعضاء دائم شورای امنیت نیز باشد آنرا برطبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نماید .

لزوم وجود اتفاق آراء اعضاء دائم شورای امنیت برای اصلاح اساسی منشور هر گونه تغییری را مشکل نموده است و واضح است موقعیت و وضعیت مخصوصی را که این منشور بدول بزرگ داده است آنانرا و ادار خواهد نمود که با هر گونه اصلاحی که وظایفشانرا تشدید و یا حقوق آنها را تضعیف نماید مخالفت ورزند .

لر وم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

این وضعیتی است که متأسفانه تغییر آن دشوار و مشکل بنظر میرسد .
توسعه اختیار حق وتو (Veto) جهت اعضاء دائمی شورای امنیت و اعمال آن در تجدید نظر عمومی بمنزله ترك امید اصلاح میباشد و این نوع امتیاز و وسیله قطعی و حتمی است که دور از انصاف و عدالت میباشد که جلوگیری از هر گونه تجدید نظری نموده و با اکثریت آراء بهیچوجه ترتیب اثر داده نشود

این خشکی و سختی منشور ممکن است بانحلال این سازمان منتهی گردد و عواقب آن متوجه سازمانی است که در اساسنامه آن عملی شدن اصلاح و تجدید نظر پیش بینی نشده است .

این شرط سختی که در قرقه ۲ ماده ۱۰۹ پیش بینی شده نسبت بلازم الاجراء بودن تغییرات منشور است که در مورد تجدید نظر عملی نخواهد شد .

برای اینکه این سازمان در آینده دچار مخاطره نگردد و وقفه ای در آموزش پیدا نشود لازم است که از توسل طریقه ای که در کنفرانس عمومی پیش بینی شده صرف نظر گردد تا بتوانند هر گونه تغییراتی را که در منشور ایجاب مینماید عملی سازند .

دول و کشورهای بزرگ این نکته را در نظر بگیرند که اختیارات و مرجحاتیکه از نظر جنگ در منشور برای آنان قائل شده اند با عدالت سازگار نبوده و منشور مزبور موقتی تلقی شده و باید بر طبق موقعیت و شرایط کنونی عالم اصلاح گردد و تشکیل دوره اجلاسیه کنفرانس عمومی هم جهت تجدید نظر لازم و ضروری میباشد .

۴ - تغییرات

تغییرات منشور ملل متحد نباید بعضی از مقررات محدود گردد بلکه تجدید نظر باید ناظر با اصلاحات اساسی و طرز عملیات و سبک سازمان ملل بوده باشد زیرا سازمان مزبور برای تأمین روابط بین المللی بوده و این اصول از طرف بعضی از کشورها برای ترقی و بالا بردن اصل همکاری اتخاذ گردیده است .

سازمان ملل متحد مانند مجمع اتفاق ملل روی تعادل قوا برای حفظ اصل حاکمیت و آزادی عمل دول تأسیس شده است ولی این سازمان جهانی نمیتواند با رعایت سیستم تعدیل قوا و یا امور اقتصادی و اجتماعی که طبعاً ناپایدار و غیر ثابت میباشد اداره گردد .
برای اینکه این سازمان مؤثر و مقرون بحقیقت باشد باید نتایج حاصله از دستگاه قضائی آن که برای اجتماع بین المللی تأسیس گردیده اجباری بوده و نسبت بکلیه ملل عالم اعمال گردد .

متأسفانه تنظیم کنندگان این منشور نتوانستند خود را از قید اصول و فورمولهای قدیمی و کهنه بین المللی فارغ نمایند و روی همین اصل است که سازمان مزبور بصورت کامل سازمان بین المللی در نیامده و دارای نواقص بیشماری میباشد .

برای رفع این نواقص لازم است که این سازمان عنوان جهانی بخود گرفته و شامل

نروم تجديد نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

کليه کشورها بوده و يک اجتماع بين المللی تشکیل داده که کاملاً منطبق با مقررات حقوق بين الملل بوده و بر طبق اصول آن اداره شود .

این سازمان در ابتدا با عضویت چند کشور که عامل مهم تشکیل آن جنگ بوده تأسیس گردیده و بعد کشورهای دیگر نیز بآن ملحق شدند و عده از کشورهای عالم هم تاکنون در آن عضویت ندارند لذا با این وصف نمیتوانند هدف خود را که حفظ و نگاهداری و اجرای احکام قضائی بین الملل است بر دیگران که عضویت ندارند تحمیل نموده و کشورهای غیر عضو در اعمال خود آزاد و مستقل میباشند .

استفاده از حق و توکه از طرف دول بزرگ در این منشور پیش بینی شده یک نوع تعدی و لجاجتی نسبت به عملیات جمعی سازمان بوده تا بانجام کارهای منظمی منتهی نگردد و نسبت به کلیه پیشنهادات مفید که با نظر بیک عضو یا تمام اعضای شورای امنیت مابین داشته باشد از بین رفته و از منافع کشورهایی که با هر یک و یا تمام اعضای دائمی شورای امنیت هماهنگی نداشته باشد جلوگیری خواهد شد .

چون جنگ این رویه را که مبتنی بر عواملی بوده است بوجود آورده بود لذا پس از جنگ آن اصول و تعاون و اتحاد از بین رفته و منافع خصوصی هر کشوری در جای خود قرار گرفته و عدم توافق منتهی ب عدم انعقاد قرارداد و عهود صلح با دول فاتح گردیده است و تعاون جایگزین سوء ظن و شک و تردید و ترس (چنانچه امروز وجود دارد و **بجنگ سرد** موسوم است) گردیده و بکنوع وضعیت تهاجمی و عدم رعایت احترام حتی نسبت بساده ترین اشکال نزاکت بین المللی را فراهم نموده است لذا سازمان ملل متحد وظایف خود را بنحو رضایت بخشی انجام نداده و رشته اتحاد دول بزرگ هم از هم گسیخته شده و سازمان ملل نیز روی اساس مستعاری استوار گشته و سیستم تعدیل قوا عملیات آنانرا نیز تضمین نموده است .

۵- اصلاحات

منشور سازمان ملل متحد

منشور ملل متحد باید بسازمان ملل تبدیل شود . و کلمه متحد از آخر این عنوان در تمام مواردیکه در منشور ذکر شده است حذف گردد .

در فصل اول اختصاص بهرام و اصول دارد این نکات در مواد ۱ و ۲ اضافه شود .

۱ - تنظیم روابط اجتماعات بین المللی مستحکمه در هر کشوری .

۲ - اختیار سازمان .

۳ - حقوق ملل .

۴ - حقوق بشر .

اصل تساوی حق حاکمیت را باید حذف نمود و تساوی قضائی و محاکماتی را

نروم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

به جای آن گذاشت زیرا هر کشوری باید از شخصیت بین‌المللی خود استفاده کرده و وجود آنان بصورت و عنوان کشوری رعایت گردد .

بموجب منشور سازمان ملل متحد کشورها میتوانند باتکاء و عنوان کشور در سازمان عضویت آنان مورد قبول واقع شود و در ماده ۴ تصریح گردیده که کشورهای صلحجوی دیگر که تمهیدات این منشور را قبول نمایند به تشخیص سازمان استعداد اجرای آنرا داشته و حاضر به اجرای آن میباشند میتوانند عضو ملل متحد گردند .

و پذیرفته شدن هر کشوری که دارای این شرایط باشد عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت اتخاذ نماید .

در منشور سازمان ملل متحد اعضاء بسه دسته تقسیم شده است :

۱ - اعضاء دائم شورای امنیت که از بین کشورهای بزرگ انتخاب شده اند .
۲ - اعضاء غیر دائم شورای امنیت که از کشورهای متوسط برای یک دوره دوساله انتخاب میگردند .

۳ - اعضاء مجمع عمومی که از کشورهای کوچک در آن عضویت داشته و وظایف خود را انجام میدهند .

اعضاء دائم شورای امنیت میتوانند تجویز نمایند که بعضی از ممالک از نظر عدم صلاحیت یا عدم ارزش از عضویت سازمان ملل خارج گردند .

این روش و ترتیب بخوبی میرساند که اصل مساوات بین ممالک نه فقط از نظر وضعیت داخلی وجود نداشته بلکه از نظر رعایت قواعد و اصول برخلاف فقرات مندرجه در مواد ۱ و ۲ وجود نخواهد داشت .

این مزایا برای کشورهای بزرگ در نتیجه حق و تو که بدول بزرگ در فقره ۳ ماده ۲۷ که دایر به الغاء و تساوی کشورها و حاکمیت مطلق کشورهای بزرگ است پیش بینی شده که بدین قرار است .

تصمیمات شورای امنیت در سایر مسائل بوسیله رأی مثبت هفت عضو که آراء تمام اعضاء دائم جزء آن باشد اتخاذ میگردد با این تغییر که در مورد تصمیماتی که بموجب مندرجات فصل ششم و فقره سوم از ماده ۵۲ اتخاذ میشود طرف دعوی از دادن رأی خودداری خواهد کرد .

این مواد باید حذف شود و بجای آن این ماده گذاشته شود .

تمام کشورها برای عضویت سازمان قبول گردیده و در تمام قسمت‌های سازمان میتوانند دخالت نمایند .

فقره ۶ از ماده ۲ نیز مفهومی نداشته و باید حذف گردد .

فقره ۶ - سازمان طوری اقدام خواهد کرد که کشورهای غیر عضو ملل متحد عملیات خود را در حدودی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازمست با این اصول منطبق نمایند .

ثروم تجدید نظر واصلاحات در منشور ملل متحد

از این ماده چنین استنباط میشود که سازمان ملل متحد قبول اعضاء آن بوده در صورتیکه لازم است جنبه جهانی داشته باشد.

این قسمت بمناسبت تنظیم این منشور در جنگ وضع گردیده و باب ورود بسازمانرا برای کشورهای غیر عضو مسدود نموده است.

فقره ۷ ماده ۲ باب ورود افکار قدیمی و کهنه را در قسمت حاکمیت وارد سازمان ملل نموده و عملیات آنرا تقویت کرده و کار سازمان را نیز فلج نموده است.

لذا این قسمت که ذیلاً درج میگردد باید اصلاح شود.

هیچیک از مقررات منشور ملل متحد را مجاز نمیدارد که در کارهایی که اساساً مربوط بصلاحت ملی یک مملکت است مداخله کند و اعضاء سازمان را هم مجبور ننماید که کارهای از این قبیل را طبق طریقه ای که در این منشور مقرر است تصفیه کند مملکت این اصل با اجرای اقدامات قهری که در فصل هفتم پیش بینی شده است نطمه وارد نخواهد آورد.

این ماده به هر کشوری قدرت مطلقه داده که تحت عنوان امور داخلی خود هرگونه ظلم و فشار نسبت باتباع خود وارد کرده و صلاحیت قضائی سازمان را که باید نسبت بکلیه این امور که لازمه توسعه استقلال است بسط و توسعه یابد (از ضروریات و لوازم محسوب میگردد) برعکس محدود ننماید.

فقره ۷ ماده ۲ بدین طریق باید اصلاح گردد.

رسیدگی بدعاوی که مربوط بامور داخلی کشورها است بر طبق حقوق و قواعد بین المللی از صلاحیت دیوان داوری میباشد.

موضوعیت

ماده ۳ باید تغییر یافته و این ماده که ذیلاً نگاشته میشود بجای آن گذاشته شود.
ماده ۳ - کشورهاییکه در کنفرانس ملل متحد برای سازمان بین المللی در سانفرانسسکو شرکت داشته و یا قبلاً بیانیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضاء کرده و این منشور را هم امضاء و بر طبق ماده ۱۱۰ آنرا تصویب بینمایند اعضاء اصلی ملل متحد خواهند بود.

ماده پیشنهادی

۱ - کلیه کشورها باید عضو سازمان ملل باشند.

۲ - هر عضو سازمان از کلیه حقوق باید بهره مند شود و تعهدات خود را انجام دهد و کلیه کشورها دارای تساوی حقوق خواهند بود و هیچ کشوری حق کناره گیری از سازمان ملل را نخواهد داشت و خروج از عضویت بمنزله عدم انجام تعهدات و وظایف مندرجه در منشور میباشد.

نروم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

قره ۱ ماده ۴ که بشرح زیر میباشد.

کشورهای صلحجوی دیگر که تعهدات این منشور را قبول نمایند و بتشخیص سازمان استعداد اجرای آنرا داشته و حاضر با اجرای آن میباشد میتوانند عضو ملل متحد گردند. لازم است بدین نحو اصلاح گردد:

اولاً عنوان کشورهای صلحجو باید حذف گردد زیرا این عنوان زنده بوده و کشورهای غیر صلحجو نمیتوانند عضویت قبول کردند تا این عنوان ضرورت داشته باشد بعلاوه تمام کشورها صلح را دوست داشته زیرا موافق منافع آنان بوده مخصوصاً عنوان صلح منطبق با مصالح و تفوق کشورهای بزرگ میباشد. و این کلمه باید بجای آن گذاشته شود.

کشورهاییکه ملزم بحفظ ونگهبانی صلح هستند.

زیرا صلح از الزامات و تعهدات هر کشوری بوده و باید در عملی شدن این قسمت ساعی و کوشا باشند.

قسمت دوم ماده ۴ بدین نحو باید اصلاح گردد.

اصل ماده - پذیرفته شدن هر مملکتی که دارای این شرایط باشد عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنا بتوصیه شورای امنیت اتخاذ مینماید.

ماده پیشنهادی

پذیرفته شدن هر مملکتی عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی اتخاذ مینماید.

ماده ۶ که ذیلاً درج میگردد باید بکلی حذف گردد.

هر گاه یکی از اعضاء سازمان در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد مجمع عمومی میتواند بنا بتوصیه شورای امنیت او را از سازمان اخراج کند.

هیچیک از کشورها نباید از عضویت سازمان بین المللی محروم گردند و حتی نمیتوانند باراده خود سازمان را ترك نمایند.

تقاضی اصول مندرجه در منشور موجب مجازات خاطی و مقصر خواهد بود نه اخراج آن و کناره گیری هر کشوری مستلزم همین مجازات است مگر اینکه کشور عضو سازمان تجزیه گردیده و یا منضم به کشور دیگر گردد.

مجمع عمومی

مشاغل و اختیارات

قره ۲ ماده ۱۱ که بشرح زیر است برطبق دستور زیر باید اصلاح شود.
مجمع عمومی میتواند در مورد کلیه مسائل مربوط بحفظ صلح و امنیت بین المللی

لزوم تجدید نظر واصلاحات در منشور ملل متحد

که از طرف یکی از ملل متحد یا شورای امنیت و یا طبق مقررات فتره دوم ماده ۳۵ از طرف کشوری که عضو سازمان نمیشد با و رجوع گردیده مباحثه نماید و با رعایت قید ماده ۱۲ و نسبت به تمام اینگونه مسائل به کشور یا کشورهای ذینفع و یا بشورای امنیت و یا به کشورها و شورای امنیت توصیه‌هایی بنماید هر مسئله از این قبیل که مستلزم یک عمل مؤثر میباشد قبل از مباحثه و یا پس از آن از طرف مجمع عمومی بشورای امنیت رجوع خواهد شد .

به جای ملل متحد باید نوشته شود یکی از ملل و نیز جمله از طرف کشوری که عضو سازمان نمیشد باید برداشته شود تا ماده مزبور صورت صحیحی به خود بگیرد . و نیز در قسمت رأی از فتره ۲ ماده ۱۸ عنوان اخراج اعضاء باید حذف گردد .

شورای امنیت

ترکیب

فتره يك ماده ۲۳

شورای امنیت مرکب از ۱۱ عضو سازمان خواهد بود .

جمهوری چین - فرانسه - اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای متحدته بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و کشورهای متحد اسریرکا اعضا دائم شورای امنیت میشوند .

شش عضو دیگر سازمانرا مجمع عمومی بعنوان عضو غیر دائم انتخاب مینماید در این انتخاب مجمع عمومی باید در درجه اول شرکت اعضاء سازمانرا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در سایر مرامهای سازمان مخصوصاً منظور داشته و همچنین تقسیم عادلانه جغرافیا را نیز رعایت کند .

۲ - اعضاء غیر دائم شورای امنیت برای یک دوره دو ساله انتخاب میگردند معهدا در موقع اولین انتخاب اعضاء غیر دائم سه عضو فقط برای یکسال انتخاب میشوند اعضائیکه خارج میگردند فوراً قابل تجدید انتخاب نخواهند بود .

بر طبق این ماده اعضاء شورای امنیت ۱۱ نفر بوده و از این میزان نمیتواند تجاوز نماید .

اگر کشورهای مهم و بزرگ دیگری در آن عضویت پیدا نمایند افزایش عده اعضاء شورای امنیت لزوم پیدا کرده و توسعه عملیات شورای امنیت هم موجب افزایش اعضاء دائم و غیر دائم آن میگردد . وتشکیلات شورا هم باید متناسب با حجم کار ووظایف آن باشد .

برای اینکه تعادل از هر جهت حفظ گردد شایسته است که عده اعضا دائم و غیر دائم شورا باهم متناسب باشد ووظیفه مجمع عمومی است که میزان عده اعضاء را به تناسب تعداد اعضاء خود معین نماید لذا قسمت فتره ۲ از ماده ۲۳ که میگوید .

در موقع اولین انتخاب اعضاء دائم سه عضو فقط برای یکسال انتخاب میشوند باید بکلی از منشور ملل حذف شود .

رای

ماده ۲۷

منشور ملل در فقرات ۱-۲-۳ طرز اخذ آراء شورای امنیت را ذکر نموده و در آن قید گردیده است که طرق مذکوره از نظر نوع تصمیمات باید تعقیب و پیروی گردد . فقرات سه گانه بشرح زیر میباشد .

۱- هر عضو شورای امنیت دارای یک رای میباشد .
۲- تصمیمات شورای امنیت در مسائل مربوطه به آئین کار بوسیله رای مثبت هفت عضو اتخاذ میشود .

۳- تصمیمات شورای امنیت در سایر مسائل بوسیله رای مثبت ۷ عضو که آراء تمام اعضا دائم جزء آن باشد اتخاذ میگردد با این تغییر که در مورد تصمیماتی که بموجب مندرجات فصل ششم و فقره سوم از ماده ۵۲ اتخاذ میشود طرف دعوی از دادن رای خودداری خواهد کرد .

این امتیاز که لزوم رای مثبت هفت عضو برای مسائل مربوطه به آئین کار و رای مثبت هفت عضو که آراء تمام اعضا دائم جزء آن باشد از نواقص منشور محسوب گردیده زیرا تشخیص اینکه کدام امر مربوط به آئین کار و کدام مربوط به اساس موضوع است کار مشکل بوده و منشور چنین ضابطه ای را برای آن تعیین ننموده است .

بنابراین تبعیض از نظر تعارض منافع در کلیه اموری که از طرف شورای امنیت تفسیر میگردد حکمفرما میباشد و شایسته است که این قیود و شرایط کاملاً حذف گردد .

بعلاوه در فقره ۳ ماده ۲۷ که تصمیمات شورای امنیت را در سایر مسائل بوسیله رای مثبت ۷ عضو که آراء تمام اعضا دائم جزء آن باشد دانسته است بدین نحو عمل میگردد که پنج نفر از اعضا دائم شورای امنیت که پنج نفر آن از دول بزرگ مانند چین - فرانسه - اتحاد جماهیر شوروی - بریتانیای کبیر و ایرلاند شمالی - و ممالک متحده امریکا تشکیل شده است به نفع همین دول و کشورهای بزرگ تمام شده و بر قدرت و توکه مخالفت با تصمیمات متخذه باشد می افزاید و این عمل که بوسیله یکی از اعضا دائم اعمال میگردد به منزله سد سدیدی است که مانع پیشرفت کار بوده و در انتظار شاق و زرنده میباشد .

معاذیر دول بزرگ در وضع این ماده کذائی این بوده که اتفاق آراء اعضا دائم در آن موقع برای تحکیم اداره سازمان ملل متحد بمنظور نگاهداری و تحکیم صلح و امنیت عمومی بوده است تا جلوگیری از هرگونه سوء نیتی بنمایند فعلاً همین منظور هم عملی نگردیده و ناآره جنگ را ممکن است در آئیه نزدیکی مشتعل نموده و تار و پود عالم بشریت را از هم بگسلاند .

در هر صورت بهوض رای مثبت ۷ عضو که آراء تمام اعضا دائم جزء آن باشد بهتر است رای اکثریت مناط اعتبار واقع شود .

و اگر بخواهند اتفاق آراء دائمی شورای امنیت را حفظ نمایند ماده مزبور باید بدین نحو تصحیح گردد .

لرؤم تجدید نظر واصلاحات در منشور ملل متحد

در صورت رأی منفی اعضا دائم شورای امنیت تصمیم شورا باید به مجمع عمومی ارجاع شود و با دوئلث یا سه ربع آراء تصویب گردد .

هر عضوی هم که طرف دعوی میباشد باید از دادن رأی امتناع نماید .

از رأی منفی هم باید جلوگیری شود زیرا رأی منفی عبارت از عدم شرکت در شورای امنیت بوده تا بدینوسیله از تصویب تصمیمات جلوگیری نمایند .

در موقع جنگ توافقی بین اعضاء شورای امنیت وجود داشت و کلیه امور به اتفاق آراء تصویب میگردد ولی بعد از جنگ حصول اتفاق آراء در مسائل مطروحه کمتر وجود خارجی داشته و مانع پیشرفت امور میگردد .

در آخر قسمت سوم مقرر گردیده که در مورد تصمیماتی که بموجب مندرجات فصل ششم و فقره سوم از ماده ۵۲ اتخاذ میشود طرف دعوی از دادن رأی خودداری خواهد کرد .

این قسمت باید حذف شود و این عبارت به جای آن گذاشته شود .

که کلیه اعضائی که طرف دعوی هستند از دادن رأی خودداری نمایند .

بعلاوه حذف تصمیمات متخذه بموجب مندرجات فصل ششم و فقره سوم از ماده ۵۲ دایره محدودیت را وسیعتر نموده و نسبت بکلیه اختلافات اعمال میگردد تا هیچ کشوری نسبت بدعاوی مطروحه خود قضاوت ننماید .

ماده ۵۱ نیز باید اصلاح گردد زیرا ماده مزبور منحصر به تجاوزات مسلحانه شده است که میگوید .

در صورتیکه یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود هیچیک از مقررات این منشور به حق طبیعی و دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی ناموقعیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی بعمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد . کلمه تجاوز مسلحانه حذف شود و بجای آن کلیه تجاوزات گذاشته شود .

در قرار دادهای راجع به مساعدتهای متقابل که در ۲ سپتامبر ۱۹۴۷ منعقد گردید در ماده ۶ آن چنین قید گردیده .

که در کلیه مواردی که تمامیت ارضی و یا حاکمیت و یا استقلال سیاسی هر یک از کشورهای امریکا در نتیجه حمله اعم از حمله مسلحانه و اختلافات داخلی و خارجی قاره امریکا و یا بهر وسیله دیگر که صلح را تهدید نماید هر یک از کشورهای مزبور ملزمند که در رفع آن قیام و اقدام نمایند .

جمله از طرف هر کشور دشمن که در فقرات ۱ و ۲ ماده ۵۳ به آن اشاره شده است امروزه وجود خارجی نداشته و با خاتمه جنگ و انعقاد و امضا پیمان صلح باید از منشور ملل حذف گردد .

دیوان بین‌المللی دادگستری

در این منشور بدیوان بین‌المللی دادگستری اجازه نداده که اختیارات و امتیازات که از لوازم یک دادگاه است داشته باشد تا بتواند بمسائل و دعاوی مطروحه رسیدگی نماید و برطبق این منشور رکن مهم قضائی سازمان شناخته شده و قضاوت آن اجباری نمیباشد. در فتره ۳ ماده ۳۶ منشور میگوید .

که شورای امنیت باید درحین اقدام بتوصیه‌هاییکه در این ماده پیش‌بینی شده‌است این نکته را نیز منظور نظر دارد که بطور کلی اختلافات قضائی را باید طرفین طبق مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی بدیوان مزبور رجوع کنند بعلاوه رسیدگی به دعاوی جزائی هم باید از خصائص دیوان مزبور باشد و در این ماده پیش‌بینی نشده است و نیز باید اضافه شود که هرگونه تقضی که نسبت بحقوق بین‌المللی شود جرم محسوب و مرتکب آن مستوجب تعقیب کیفری میباشد .

تأمین دادگاه جزائی و دادرسی بین‌الملل هم از ضروریات بوده و در منشور ملل باید پیش‌بینی شود تا اختلال و بی‌قاعدگی که در تشکیل دادگاه نورمبرگ (Nuremberg) مشاهده گردید مجدداً تکرار نشده و حقوق جزائی اثر قهرائی داده نشود.

تقصی که در این منشور وجود دارد این است که در آن ذکر نگردیده که دیوان بین‌المللی دادگستری بتواند مقررات منشور را در موقعی که ضرورت ایجاب نماید وبه ابهامی برخورد بکند تعبیر و تفسیر نماید مقتضی است چنین وظیفه نیز بدیوان مزبور محول گردد .

بنابجهاات مذکوره در فوق این مقررات باید بدین نحو تغییر داده شود .

ماده ۹۲ - دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضائی مهم ملل متحد را تشکیل میدهد و ملزم است که نسبت بکلیه اختلافات قضائی بین‌المللی رسیدگی وتصمیمی اتخاذ نماید. و نیز صلاحیت رسیدگی بکلیه امور جزائی بین‌المللی را داشته که نسبت بجرائم مرتکبه از هرکشوری رسیدگی کرده و مرتکبین را بکیفر خود برساند .

فقرات ۱ و ۲ ماده ۹۴ که قابل اصلاح است ذیلآ درج میشود :

۱ - هر یک از اعضاء ملل متحد متعهد میشود در هر اختلافی که طرف باشد برطبق تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری عمل نماید .

۲ - اگر یکی از طرفهای دعوی تعهداتی را که بموجب حکم دیوان مزبور برای او ایجاد میشود بجا نیاورد طرف دیگر میتواند بشورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور میتواند در صورتیکه مقتضی بداند توصیه‌هایی بکند و یا برای اجرای آن حکم تصمیماتی اتخاذ نماید .

این دو قسمت در ماده ۹۴ بدین طریق باید اصلاح شود .

تبعیت از احکام دیوان بین‌المللی دادگستری برای شورای امنیت اجباری بوده

لزوم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

و ملزم با اجرای آن می باشد و دور از عدالت است که حکم دیوان مزبور تابع نظر شورای امنیت بوده باشد .

ماده ۹۵ ذیل^۱ درج میگردد نیز قابل اصلاح است .

هیچیک از مقررات این منشور مانع از این نخواهد بود که اعضاء سازمان اختلافات خود را بر طبق قرارداد هائی که فعلاً موجود است و یا ممکن است در آتیه منعقد گردد بداد گاههای دیگر رجوع نمایند .

باید باین ماده این جمله افزوده شود :

که طرفین دعوی باید بدیوان بین المللی دادگستری مراجعه نماید واحکام این دادگاه برای وحدت روش قضائی بین المللی حفظ گردد و ماده جدیدی نیز بمنشور اضافه گردد :

که دیوان دادگستری بین المللی بنا بقاضای هر عضو یا عضو سازمان نسبت باختلافاتی که در موضوع تفسیر و تعبیر اجرای هر یک از مقررات این منشور پیدا شود ملزم برسیدگی و اتخاذ تصمیم می باشد .

دبیرخانه

ماده ۹۷

باین ماده که ذیل^۲ نقل میشود عبارت ذیل باید اضافه گردد :

دبیرخانه مرکب است از رئیس کل دبیرخانه و کارمندانیکه برای سازمان ضروری باشند رئیس کل دبیرخانه را مجمع عمومی بنا بقصیه شورای امنیت معین میکند مشارالیه عالی مقام ترین کارمند سازمان می باشد .

این جمله باید اضافه شود که در صورتیکه شورای امنیت نسبت بدیوان طلبی ت. صیه ننماید وظیفه مجمع عمومی است که در انتخاب دبیر کل مستقلاً توصیه نماید .

مقررات موقت راجع به امنیت

مواد ۱۰۶ و ۱۰۸ که ذیل^۳ درج میگردد چون برخلاف اصل عدالت است از منشور بکلی باید حذف گردد .

ماده ۱۰۶ - تا موقع لازم الاجراء شدن قرارداد های خصوصی مذکور در ماده ۴۳ که شورای امنیت را بنا بشخصی خود برای تقبل مسئولیت هائیکه بموجب ماده ۴۲ بمعده گرفته است مجاز و آماده مینماید دولت های امضاء کننده اعلامیه چهار ملت که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو با امضاء رسیده و دولت فرانسه بین خود و در صورت لزوم با سایر اعضاء سازمان بر طبق مقررات فقره پنجم اعلامیه مزبور توافق حاصل خواهند کرد تا بنام ملل متحد عملیاتی را که ممکن است برای حفظ صلح و امنیت بین المللی لازم باشد مشترکاً انجام دهند .

لزوم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

ماده ۱۰۷ - هیچیک از مقررات این منشور مانع عملیات و یا مؤثر در عملیاتی نخواهد بود که در دنباله دومین جنگ بوسیله دولتهائیکه مسئولیت این عملیات را دارند درقبال یکی از دولتهائیکه درجنگ مزبور دشمن یکی از امضاء کنندگان این منشور بوده است مجاز یا معمول گردد .

اصلاحات

ماده ۱۰۸ و فقره ۲ ماده ۱۰۹ بدین نحو باید اصلاح گردد :

بجای اعضاء دائم شورای امنیت مذکور در این دو ماده باید اکثریت اعضاء دائم شورای امنیت گذاشته شود .

پایان

لذا با در نظر گرفتن نکات مذکوره در این مقاله پیشنهادات زیرین بسازمان ملل متحد میشود :

- ۱ - سازمان ملل متحد در مجمع کنفرانس عمومی ۱۹۵۵ جهت تجدید نظر در منشور برطبق فقره ۳ ماده ۱۰۹ باید از تمام ملل دعوت نماید .
- ۲ - تغییرات منشور موقعی که بتصویب دو ثلث اعضاء مجمع عمومی که شامل اعضاء دائمی شورای امنیت باشد برسد قابل اجراء بوده مشروط بر اینکه تصویب مزبور با دو ثلث اعضاء کشور ها بعمل آمده باشد .
- ۳ - تجدید نظر منشور ملل باید واقعی بوده یعنی بانظر اعضاء سازمان بین المللی کامل که بر کلیه کشورها شمول داشته باشد صورت پذیرفته و جنبه جهانی داشته باشد .
- ۴ - سازمان بین المللی باید تساوی قضائی را در باره کشور ها قائل شود .
- ۵ - هیچ کشوری نباید از سازمان اخراج گردیده و یا بمیل خود سازمان را ترك نماید در صورت نقض این اصول مستوجب کیفری که از طرف مجمع عمومی معین میگردد خواهد بود .
- ۶ - تصمیمات شورای امنیت باید بصورت رأی مثبت اکثریت اعضاء به انضمام اکثریت اعضاء دائم شورا گرفته شود .
- ۷ - وظایف دیوان بین المللی دادگستری بشرح زیر است :
 - الف - رسیدگی و قضاوت اجباری نسبت بکلیه اختلافات ملل
 - ب - قضاوت در امور جزائی و جرائمی که کشور ها و یا رؤسای آنان مرتکب میشوند با در نظر گرفتن کیفرهای متناسب با جرائم .
 - ج - رسیدگی بموضوعات داخلی هرکشوری برطبق قوانین بین الملل .
 - د - رسیدگی باختلافات ناشیه از تفسیر و اجراء مقررات منشور .

لرزم تجدید نظر و اصلاحات در منشور ملل متحد

۸ - جهات زیر لازم است در منشور قید گردد .

الف - اختیارات سازمان .

ب - حقوق و وظایف کشورها و ملل .

ج - حقوق بشر .

د - اختیارات و عملیات مجمع عمومی - شورای امنیت - دیوان بین المللی دادگستری و دادسرای بین المللی .

اگر این اصلاحات در منشور ملل عملی نگردد و خلع و یا تحدید سلاح به تجدید و یا تکمیل سلاح تبدیل گردد و مفهوم صلح هم فاصله‌ای برای تأمین وسائل جنگ دیگر باشد آنوقت باید گفت وجود این سازمان که یگانه امید و آمل بشر بوده و میباشد سرابی بیش نبوده و روز بروز از قدرت آن کاسته شده و دیگر حقیقت خارجی نخواهد داشت و بآس و نومییدی که بمرور زمان از این دستگاه عاید بشر میگردد ممکن است خدای نکرده بجنگ عالم سوزی منتهی گردد که یکباره تار و پود تمدن بشری را از بین برده و آثاری از آن باقی نگذارد .

در هر حال دنیای حقیقی بوجود نخواهد آمد مگر اینکه بر اساس عدالت استوار و برقرار باشد و این آرمان و آرزو هم باید بوسیله این دستگاه بین المللی یعنی سازمان ملل متحد برای بشر تأمین گردد .

بر دول بزرگ است که اختلافات را کنار گذاشته و در بسط و تقویت این سازمان کوشا باشند زیرا :

اتحاد دول متحد در دوره جنگ دوم که منتهی به تشکیل این سازمان بین المللی گردید از نظر محفوظ داشتن نسلهای کنونی و آینده از بلای جنگ بوده که بشر را دچار مصائب غیر قابل یبانی ننموده . و حیاتی را برای هر فردی تأمین نمایند که عاری از فقر و ترس بوده باشد و روی همین اصل و منظور به جنگ دوم خاتمه داده شد و مسبب آنرا هم محاکمه نموده و به کیفر اعمال خود رسانیدند ولی اگر خدای نخواسته بر خلاف آنچه به افراد جهان اعلام داشته‌اند عمل نمایند مقدمات جنگ دیگری را فراهم نموده که از هر حیث و از هر جهت مدهش و مهیب تر بوده و آنوقت اشعار شیخ مصلح الدین سعدی علیه الرحمه شاعر ایران درباره آنان صدق پیدا خواهد نمود :

رهانید از دهان و دست گرسگی
روان گوسفند از وی بنالید
به دیدم عاقبت گرسگم تو بودی

شنیدم گوسفندی را بزرگی
شبانگه گارد بر حلقش بمالید
که از جنگال گرسگم در روی